

درباره کاریکاتوریست اروپایی که نماد نقض آزادی بیان در اروپا شده است

این پرتغالی شریف



حالا با جرئت می‌توانیم بگوییم، کاریکاتور پدافند است. پدافندی که در جنگ عملکردش چند برابر می‌شود. کاریکاتوریست‌ها هم آدم‌های عجیبی هستند. نمونه‌اش همین آنتونیو سانتوس مرد پرتغالی‌ای که کاریکاتور تتانیاهو و بن‌گویی را کشید و برای رویداد هولوساید به ایران دعوت شد. کشورش به او گفت که اگر به ایران بروی، تا ۵ سال نمی‌توانی به کشورت برگردی! یعنی ۵ سال دور از خانواده! یعنی ۵ سال دور از همه هموطنان و هم‌مجله‌ای‌ها! یعنی ۵ سال دور از خودکار و قلمی که با آن کاریکاتور می‌کشد! به نظرتان واکنش سانتوس چه بود؟ مثل باقی کاریکاتوریست‌ها و آدم‌های آزاده دنیا! آنتونیو سانتوس آزاده است. او مسئولیت سرش می‌شود. می‌داند آدمیزاد بودن و هنرمند بودن باری است که روی دوش آدم‌ها می‌افتد. سانتوس انتخابش را می‌کند. سوار هواپیمای می‌شود تا چهارشنبه بر فراز آسمان تهران باشد. انتخاب سختی است. چهارشنبه که می‌شود، او بالای سر کشوری پرواز می‌کند که روزگاری کاریکاتور دشمنش را می‌کشید. کاریکاتور صدام را. او صدام را با چهره کرکس کشید و حالا نوبت به کسی می‌رسد که صحبت کردن درباره‌اش بی‌حرمتی به کرکس و سایر گوش‌خواران است.

هواپیمادر تهران می‌نشیند

وقتی سانتوس روی زمین تهران نشست، اخباری از گوشه و کنار می‌آمد که سه‌وژه کاریکاتوره‌ای سانتوس می‌خواهد به ایران حمله کند. با این حال آنتونیو سانتوس رفته‌رفته راپازنگشت. روایت او شبیه قهرمانان آمریکای جنوبی است. همان‌هایی که دلشان را به دریا می‌زدند و زن و فرزند را رها می‌کردند تا به آرمانشان نزدیک شوند. سانتوس هم همین‌کار را کرد. حوالی چهارشنبه که هواپیمایش روی زمین نشست، منتظر ماند تا فردا به حوزه هنری برود و هولوساید را روایت کند. پنجشنبه شد. او قرار بود به عنوان دومین برگزیده بخش کاریکاتور معرفی شود. برای همان کاریکاتوری که از تتانیاهو کشیده بود. همان اثری که او در درباره‌اش می‌گفت: «من تتانیاهو را به عنوان یک موزیسینی که از ویولن استفاده می‌کند، برای خلق اثر انتخاب کردم. ولی به جای ویولن از غزه استفاده کردم، یعنی تتانیاهو در حال سوءاستفاده از غزه است.» ویژگی مشترک آثار سانتوس تمرکز روی دندان‌هاست. او دندان‌ها را به‌گونه‌ای طراحی می‌کند که خیالت افراد درست به چشم بیاید. بزرگ‌تر بودن دندان‌ها در نسبت با چشم‌ها، آرشه‌ای که روی آن ستاره داود نقش بسته، انگشتی که روی آن عکس جمجمه انسان است و چهره‌ای که انگار با ساز یکی شده. سانتوس درباره طراحی انگشتر تتانیاهو می‌گوید: «در این اثر در انگشتان تتانیاهو، انگشتی با عکس اسکلت کسی که مرده به‌تصویر کشیده شده است که به این معناست که اگر تتانیاهو آهنگی بنوازد، مردم را شاد نمی‌کند بلکه باعث رنجاندن آنها می‌شود.»

همه اینها کاریکاتور آنتونیو سانتوس را خلق کرده است، اثری که به‌طور واضح با دیگر آثار کاریکاتوریست‌های مقاومت متفاوت است و تمرکزش به جای آنکه درباره اتفاق باشد، روی چهره و شخصیت است. او اغلب دیکتاتورها و تروریست‌ها را از آثارش بی‌بهره نگذاشته، از بن‌لادن گرفته تا بن‌گویی. شاید این‌طور به نظر بیاید که مرد ۵۷ ساله پرتغالی در کشورش یک قهرمان است یا حداقل چیزی شبیه به یک قهرمان، اما او تنها یک معلم و طراح ساده است. با این همه کلکسیون افتخاراتش نشان می‌دهد که از چین تا برزیل



هنرمندان با پیام‌های قاطع پای کار ایران



در سومین روز از تجاوز رژیم صهیونیستی به ایران عزیز و در پی آن حمله جانانه نیروهای نظامی کشور به سرزمین‌های اشغالی، طیف بیشتری از هنرندان داخلی با انتشار پُست و یادداشت در فضای مجازی از ملت ایران در برابر شقی‌ترین دشمنان خدا حمایت کردند. از «مجید مجیدی» و «محمّدحسین لطیفی» گرفته تا «احسان علیخانی» و «امین». نکته‌ای که در این میان اهمیت پیدا کرده آن است که لحن اغلب پیام‌های منتشرشده توسط هنرندان داخلی و حتی خارجی نسبت به دو روز قبل با شدیدتر شدن درگیری‌ها قوت و سمت‌وسویی درست‌تر و جدی‌تر به خود گرفته است و آنها با شناسایی درست سره از ناسره خطابشان را تتانیاهوی جنایتکار قرار داده‌اند. در ادامه به واکنش‌های هنرندان غیور ایرانی خواهیم پرداخت اما پیش از اشاره به این مهم بیان یک نکته خالی از لطف نیست. ای کاش هنرندان و ورزشکارانی که به پشتوانه دنبال‌کننده میلیونی، خود را «وطن‌پرست» و «مردمی» جا زده‌اند هم به خود بیایند و هرچند ضعیف در صفحاتشان نسبت به دشمنان این مملکت واکنش نشان دهند.

مشت‌گره کرده مریلا زارعی در برابر دشمن

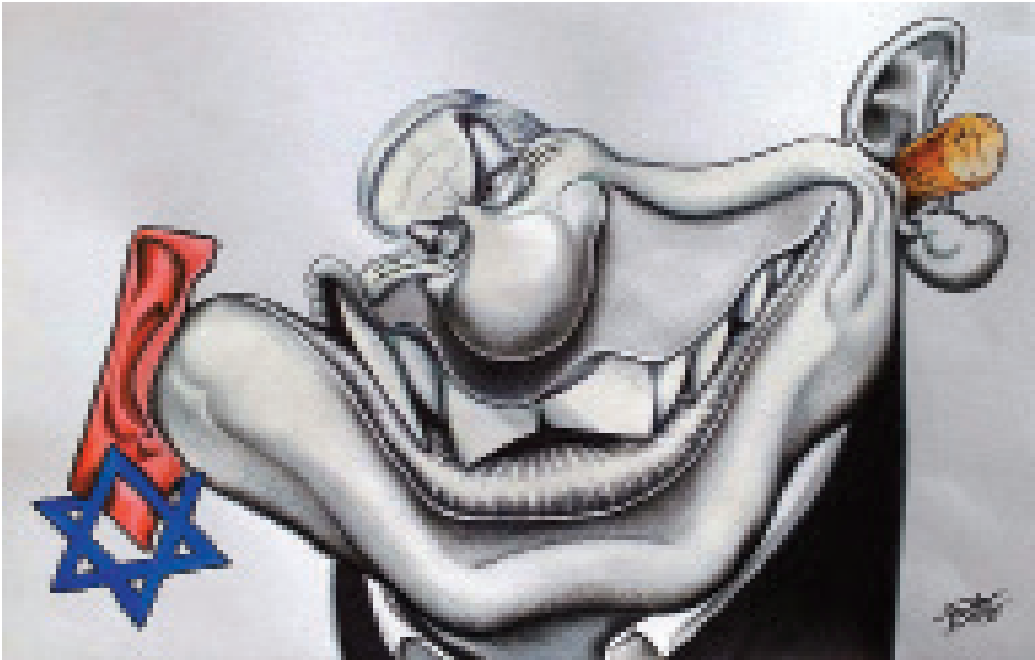
مریلا زارعی بازیگر سرشناس سینما و تلویزیون در دومین روز از تجاوز



سال‌ی که رونالدو سوپرجام اسپانیا را برد اما توپ طلا را به مسی واگذار کرد، هر چه پیش رفت سانتوس سیاسی‌تر شد، همین هم پایش را به ایران باز کرد. او سال بعد هم در ایران جایزه برد و البته در سال ۲۰۱۵. صبر کنید جایزه‌های سانتوس در ایران تمام نشده؛ او سال ۲۰۱۷ هم برنده جایزه شد و البته در ۲۰۱۸. در میان ۱۶ کشوری که از آن‌ها سانتوس جایزه گرفته و به آنها سفر کرده، شاید این سفر از همه متفاوت‌تر باشد.

من را به مرگ تهدید می‌کنی؟

آثار آنتونیو سانتوس در نمایشگاه حوزه هنری به نمایش عمومی در می‌آیند. البته او تنها پرتغالی مراسم نیست، واسکو گارگالو هم دیگر هنرمندی است که آثارش در هولوساید به نمایش درآمده و برنده جایزه می‌شود. با این حال، تهدیدها علیه سانتوس جدی‌تر است. او پیش از این هم در سال‌های گذشته وقتی از تتانیاهو کاریکاتور کشید، تهدید به مرگ شد. از طرف چه کسانی؟ از طرف حزب لیکود. حزب طرفدار تتانیاهو و صهیونیست‌های افراطی. همان موقع هم سانتوس از آن اتفاقات ترسید، با اینکه می‌دانست، ممکن است اتفاقی که در لندن افتاد برای او هم رقم بخورد. کاریکاتوریست‌ها خوب می‌دانند وقتی ۱۹۸۷ و لندن کنار هم قرار می‌گیرند حاصلش می‌شود چه. حاصلش می‌شود کاریکاتوریستی شهید. کسی که خالق حفظله و نماد آینده فلسطین است. کودکی که پیر نمی‌شود. کودکی که از مظلومیش کاسته نمی‌شود. سال ۱۹۸۷ بود که صهیونیست‌ها در لندن ناجی علی را شهید کردند. با این حال شهادت ناجی علی باعث شد همه بفهمند صهیونیست‌ها از چه چیزی می‌ترسند. وقتی در سال ۲۰۱۸ هم صهیونیست‌ها شروع کردند به تهدید کاریکاتوریست‌ها همه فهمیدند ماجرای ناجی علی ممکن است دوباره رخ بدهد. با این حال، این یک مسیر است. مسیری که ناجی علی آغازش کرد و انتشار پیدا کرد. در ایران آدم‌های مثل شجاعی طباطبایی



هم به حملات وحشیانه رژیم صهیونی واکنش نشان داد و با یادآوری این مسئله‌که‌نابید«ایرانمان»رافراموش‌کنیم‌در یادداشتی‌که‌در اختیار خبرگزاری ایرنا قرار داد نوشت: «مردم باید در این بین ایرانی بودن خودشان را فراموش نکنند. در حال حاضر همه ما می‌دانیم کسی که وی‌هروی ماست، بهتر از ما نیست و به دنبال منافع خودش است. صهیون همیشه مظلوم‌نمایی می‌کند و کارش را با تبلیغات پیش می‌برد. ما باید حواسمان باشد و ایرانی بودنمان را از یاد نبریم. ناراحتم که تهران نیستم و احساس بی‌غیرتی می‌کنم. تهران در خطر است و من باید تهران می‌بودم. این چیزی است ما از زمان جنگ یاد گرفتیم، در زمان موشک‌باران هم هیچ‌وقت از تهران خارج نشدم.»	سیدعلی میرفتاح، روزنامه‌نگار پیشکسوت و نویسنده و نقاش باسابقه نیز در پی حمله وحشیانه رژیم صهیونیستی به خاک اجدادی ما قلم به دست گرفت و در صفحه ایستارگامش نوشت: «من هیچ‌وقت نیروی رزمی نبودم و اسلحه به دست نگرفتم بلکه در قراقره صراط و تیپ کوشر و درستی به اخباری که از طرف رسانه‌های معاند به سمت ایران مخابره می‌شود نشان داد. او در یک استوری دست رد به سینه محتوای منتشرشده از سوی رسانه تروریستی ایران اینترنت‌نشان زد و دور آنها خط قرمز کشید.
از ایران انضمامی غافل نشویم سیدعلی میرفتاح، روزنامه‌نگار پیشکسوت و نویسنده و نقاش باسابقه نیز در پی حمله وحشیانه رژیم صهیونیستی به خاک اجدادی ما قلم به دست گرفت و در صفحه ایستارگامش نوشت: «من هیچ‌وقت نیروی رزمی نبودم و اسلحه به دست نگرفتم بلکه در قراقره صراط و تیپ کوشر و درستی به اخباری که از طرف رسانه‌های معاند به سمت ایران مخابره می‌شود نشان داد. او در یک استوری دست رد به سینه محتوای منتشرشده از سوی رسانه تروریستی ایران اینترنت‌نشان زد و دور آنها خط قرمز کشید.	ایرانی بودن خودمان را فراموش نکنیم محمّدحسین لطیفی، کارگردان فیلم‌های سینمایی «روز سوم» و «غریب»

برآمدند و در پرتغال هم امثال سانتوس و گارگالو، آدم‌هایی که کشورهایشان به نظر اصلا در معادلات جهانی حضور ندارند با این حال، خودشان را فارغ از کشور و وطن درگیر مسائل اصلی انسان معاصر کردند. سانتوس جدای از کاریکاتور تتانیاهوی وی‌الون‌زن یک اثر درخشان دیگر هم درباره بن‌گویی با خود آورده. اثری که به درستی تندروترین سیاستمدار صهیونیست را نشان می‌دهد، کسی که وزیر امنیت ملی اسرائیل است و یاد آریل شارون را زنده کرده. سانتوس درباره کاریکاتورش می‌گوید: «اگر بخواهم در رابطه با دیگر اثرم توضیح بدهم، باید بگویم که در این کاریکاتور شکل یک ژنرال ارتش اسرائیل به تصویر کشیده شده است و او آنقدر جنایتکار است که به یک سگ وحشی شبیه شده است. در این تصویر دستان این شخصیت وحشی، مشت شده و در حال فشار آوردن به زمین است. در بخش جلویی این کاریکاتور دستان آدم و در بخش پشت پاهای سگ را می‌بینیم. در این اثر کراوات را با تصویری از غزه می‌بینیم که بر گردن این شخصیت خونخوار آویزان است. به‌طور کلی این کاریکاتور تصویری از بدن انسان و سگ است که به خوی جنگ‌طلبی اسرائیل اشاره دارد.» بعید نیست با توجه به این کاریکاتور بن‌گویی و دوستانش دوباره دستور قتل این کاریکاتوریست را صادر کنند کما اینکه دولت‌تر ور پیش از این هم می‌خواست همین کار را انجام دهد. سانتوس درباره اثرش توضیحات بیشتر و جالبی می‌دهد: «در این اثر نشان داده شده این شخصیت به جای اینکه از خوبی و صلح صحبت کند باعث تشویق افراد به جنگ شده است.» این هنرمند پرتغالی درباره تأثیر برگزاری این نمایشگاه در بیان مظلومیت فلسطین اظهار کرد: «شاید نگاه اول به آثار طنزگونه باشد اما این نمایشگاه و مجموعه کاریکاتوره‌ای به‌نمایش درآمده در آن، با زبانی ساده جنایت‌های اسرائیل علیه فلسطین و مظلومیت مردم غزه را به مردم دنیا نشان می‌دهد.»

۵ سال دور از وطن؟!

حالا سانتوس در ایران است. او سال‌هاست که جنگیدن با قلمش را انتخاب کرده و به جنگ با انسان‌نماها رفته. شجاعی طباطبایی درباره او می‌گوید که آدم عجیبی است و ترس، او می‌گوید: «نمی‌خواهم درباره آقای سانتوس اغراق کنم اما واقعا چندان ترسی از شرایط ندارد. او می‌دانسته که اگر بخواهد به ایران بیاید و در هولوساید شرکت کند، ممکن است ۵ سالی اجازه ورود به کشورش را نداشته باشد، اما خودش این‌طور انتخاب کرده.» از شجاعی پرسیدم آیا سانتوس از شرایط جنگی نمی‌ترسد؟ شجاعی که مدام به همکارانش می‌گوید از پنجره‌ها فاصله بگیرند و به‌نوعی دارد شرایط را مدیریت می‌کند، گفت: «من نمی‌خواهم اغراق کنم. خانواده آقای سانتوس نگران او هستند. با این حال ایشان چندان نمی‌ترسد و با مردم ایران همدل است.» توقعی هم از آدمی که سال‌ها روز و شبش را زیر تهدیدهای اسرائیل گذرانده نمی‌رود. بردی که روزگاری روی موضوعات حساس دست می‌گذاشت حال در شرایط حساس قرار گرفته. حالا این پرتغالی در ایران است و شاید عجیب‌ترین اتفاق زندگی‌اش را در دین ۵۷ سال می‌گذاردن. حالا آقای سانتوس در چند کیلومتر آن‌طرف‌تر از رونالدو در یک موقعیت پیچیده قرار گرفته که او را متفاوت از یک قهرمان ورزشی می‌کند. سانتوس یک قهرمان هنری است. کسی که با انتخاب‌هایش آزادگی را پذیرفته و حالا در کنار کاریکاتوریست‌های ایرانی قرار گرفته و به این فکر می‌کند، چطور می‌تواند با یک کاریکاتور دیگر در کنار هنر مندانی همچون کمال شرف، شجاعی طباطبایی و . . به ریش صهیونیست‌ها بپنخند.



از چشم می‌اندازد. سر جنگ ایران و عراق از اتفاق طرفداران ایران انتزاعی

کاری نکردند و زحمتی نکشیدند. یار شاطر نبودند هیچ، اغلبشان یار خاطر بودند و هستند. باز هم زحمت دفاع از وطن افتاد گردن بسیج مستضعفان. اما ایران جدای از حیاتی که در لابه‌لای کتاب و شعر و تاریخ دارد، یکک حیات واقعی و عینی هم دارد. همین ایرانی که با خوبی‌های زیاد و بدی‌های اندکش وطن ماست، مادر ماست و عزیز ماست و به گردنمان حقی بزرگ دارد. این ایرانی که اشیقا به آن حمله کرده‌اند آنقدر ارزشمند و عزیز است که می‌شود بابتش هزاره داد، از جان گذشت و برای اعتلایش با دیگر مستضعفان عالم همدست شد. گریهام می‌گیرد وقتی می‌بینم مستضعفان یعنی و لبنانی و پاکستانی از نشستن موشک‌های فتاح در تل‌آویو ذوق می‌کنند و دست می‌زنند. من همین طرف تاریخ می‌ایستم و برای پیروزی اسدالله دعا می‌کنم. با علی مددی.»

ملت امیرالمومنین^ع هرگز شکست نمی‌خورد

در میان واکنش‌ها پیام مجید مجیدی، کارگردان مشهور سینمای ایران از نوع دیگری بود. در همین راستا، کارگردان فیلم سینمایی «محمّد رسول‌الله» با اسم بردن از نام بزرگ امیرالمومنین نوشت: «ملتی که مقتدایش امیرالمومنین علی(ع) است شکست‌ناپذیر است. ایران سرافراز به شهادت تاریخ باقی خواهد ماند و دشمنان اهریمنش نابود. ندانی که ایران نشست /منت است /جهان سر به سر زیر دست منست.»